

بررسی اثر سرمایه‌گذاری بر تولید استان خوزستان (ارائه راهکارهای افزایش نقش سرمایه‌گذاری در تولید)

امید احمدی^۱، یوسف الباجی^۲، اشکان بذرافکن^۳

۱- دکتری مدیریت مالی، مدیر کل اداره امور اقتصادی و دارایی خوزستان، omidahmadi9819@gmail.com

۲- دکتری اقتصاد، سرپرست معاونت اقتصادی اداره امور اقتصادی و دارایی خوزستان، albaji2013@gmail.com

۳- دکتری اقتصاد، کارشناس مسئول اقتصادی اداره امور اقتصادی و دارایی خوزستان، ashkanbazrafkan20@gmail.com

چکیده

سرمایه‌گذاری، فراگردی است که در آن، کالاهای سرمایه‌ای برای تولید کالاها و یا خدمات دیگر به کار می‌رود. سرمایه‌گذاری در حقیقت مربوط به افزایش ذخیره‌های کالاها و امکانات سرمایه‌ای و تولیدی یک جامعه است. معمولاً یک جامعه برای سرمایه‌گذاری، باید پس‌اندازهای خود را تجهیز کند و قسمتی از تولید دوره فعلی خود را مصرف نکرده و برای ساختن ظرفیت‌های تولیدی به کار برد، تا در دوره‌های آینده، امکانات مصرفی بیشتری فراهم گردد. در تئوری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی شناخته شده است. در این تحقیق با استفاده از روش مارکوف سویچینگ به بررسی اثر سرمایه‌گذاری خارجی، ارزش صادرات و حق بیمه تولیدی بر تولید استان خوزستان برای بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۲ پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان داد که اگر سرمایه‌گذاری خارجی، ارزش صادرات و حق بیمه تولیدی یک واحد افزایش یابد تولید استان خوزستان به ترتیب ۱،۸۵، ۱،۳۴ و ۱،۳۶ واحد افزایش می‌یابد.

کلمات کلیدی: سرمایه‌گذاری، صادرات، حق بیمه تولیدی، مارکوف سویچینگ.

۱. مقدمه

امروزه بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه، تلاش می‌کنند تا با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب، و از طریق سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، زمینه افزایش سطح اشتغال و ایجاد رشد مستمر پایدار را فراهم کنند. چنین کشورهایی ابتدا از طریق پیگیری سیاست‌های اشتغال و هماهنگ شده با سایر سیاست‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری داخلی را تشویق کرده و با اعطای امتیازات ویژه به پروژه‌های مهم صنعتی و تجاری حتی درصدد ایجاد فضایی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌باشند. این در حالی است که استفاده از امکانات سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی از طریق به کارگیری بهینه منابع تولید از مهمترین عوامل دستیابی به پیشرفت اقتصاد داخلی و بین‌المللی است (فدائی و کاظمی، ۱۳۹۱). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به گونه رایج آن به شکل سرمایه‌گذاری در تولید، ساخت کالا و استخراج مواد خام انجام می‌شود. کشورها برای پر کردن شکاف بین پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری، دستیابی به دانش فنی و زدودن تنگنایهای ارزی، از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی استقبال می‌کنند. سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن عوامل گوناگونی مانند ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، زیرساخت‌های اقتصادی و مقررات گوناگون مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دیگر کشورها، سرمایه‌گذاری می‌کنند. در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شخص حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور، سهم و منافع پایدار مربوط به یک بنگاه مقیم کشور دیگر را در اختیار می‌گیرد. منظور از سهم و منافع پایدار، برقراری ارتباطی بلندمدت بین سرمایه‌گذاری مستقیم و بنگاه است. نقش منابع مالی خارجی در رشد اقتصادی می‌تواند یا بصورت مستقیم و از راه تأمین مالی سرمایه‌گذاری باشد، که خود همیشه منشأ رشد است، یا به شکل غیرمستقیم و از راه افزایش جذب و مصرف، که به نوبه خود مقدار سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. اثر توسعه بیشتر در تأمین مالی مستقیم سرمایه‌گذاری‌ها مشاهده می‌شود، در حالی که تأمین مالی یک سرمایه‌گذاری غیرمستقیم ممکن است با فعال کردن بیش از حد بازار منجر به بی‌ثباتی آن و یا سبب تشویق سرمایه‌گذاری‌های بی‌ثباتی شود. جریان سرمایه‌گذاری همچنین می‌تواند خدمات جانبی گوناگونی را در لباس غیرمالی و از راه گسترش فضای فعالیت شرکت‌ها برای اقتصاد کشور میزبان به ارمغان آورد. گذشته از این، هنگامی که انجام فعالیت‌های اقتصادی خطرناک و بی‌ثبات باشد، سرمایه‌گذاران با پذیرفتن سهمی از خطر موجود می‌توانند کارآفرینان را به انجام فعالیت تولیدی تشویق کنند. اما باید توجه داشت که اگر هزینه این اقدام بیش از منافع آن باشد و به تراز پرداخت‌ها فشار آورد، بهره‌گیری از منابع مالی خارجی می‌تواند باری بر دوش اقتصاد کشور میزبان باشد و این امر بیانگر جنبه منفی آن است. اثر منفی دیگر هنگامی آشکار می‌شود که جریان سرمایه‌گذاری خارجی در یک رقابت نابرابر، آن گونه که ممکن است در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رخ دهد، جای اندوخته‌های داخلی را در مجموع سرمایه شرکت‌ها بگیرد. همچنین ناپایداری یا برگشت سریع جریان سرمایه‌گذاری می‌تواند برای توسعه اقتصادی زیان‌بخش باشد چون سبب افزایش میزان خطرپذیری و تردید در میان سرمایه‌گذاران و بی‌ثباتی ژرف متغیرهای اقتصاد کلان می‌شود (صفامنش و همکاران، ۱۳۹۰).

تولید یکی از ارکان حیاتی اقتصاد هر کشور است و در ایران نیز به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی شناخته می‌شود با این حال، تولیدکنندگان با چالش‌های متعددی مواجه هستند که بر روند فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی آنان تأثیر منفی می‌گذارد و عملاً این مسائل موجب شده تا بررسی چالش‌ها و ضرورت سرمایه‌گذاری در بخش تولید، مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد. در این پژوهش بر بررسی اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر تولید ناخالص داخلی استان خوزستان پرداخته می‌شود. ساختار مقاله به صورتی است که پس از مقدمه در بخش دوم به مبانی نظری پرداخته، در بخش سوم پیشینه تحقیق، در بخش چهارم روش‌شناسی، در بخش پنجم نتایج روش‌شناسی و در بخش ششم به نتیجه‌گیری و پیشنهادها پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری

نقش و اهمیت سرمایه‌گذاری در فرایند رشد و توسعه اقتصادی جوامع در اغلب نظریات رشد و توسعه اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. اقتصاددانان توسعه عموماً به تأثیر مثبت FDI بر رشد اقتصادی به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته اعتقاد دارند. مقامات رسمی سازمان‌های بین‌المللی نیز بر این عقیده‌اند که میان جریان‌های متفاوت سرمایه خصوصی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به عنوان منبع مالی قابل اعتماد برای کشورهای در حال توسعه به کار رود. رشد جهانی سرمایه‌گذاری‌های اختصاص یافته به FDI در سال‌های اخیر قابل توجه بوده است. ارزش جریان جهانی FDI بر حسب دلار آمریکا از ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ به ۱٫۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده است. در سال ۱۹۸۰ سهم FDI از تولید ناخالص جهانی ۵ درصد بود که در پایان سال ۱۹۹۰ این سهم به ۱۴ درصد جهش یافت که سهم کشورهای توسعه یافته از جریان FDI جهانی از ۱۷٫۱ درصد در فاصله زمانی (۱۹۸۸-۱۹۹۰) به ۲۱٫۴ درصد در دوره زمانی (۲۰۰۰-۱۹۹۸) رسیده است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳).

سرمایه، موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در تمام نظریات و الگوهای رشد اقتصادی محسوب می‌گردد. از این رو، جذب سرمایه کافی به منظور تأمین منابع مالی طرح‌های اقتصادی، از جمله مهمترین دغدغه‌های تصمیم‌گیرندگان اقتصادی در هر جامعه است. با گسترش مباحث مرتبط با جهانی شدن و ارتباط متقابل کشورها و عدم تکافوی منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری، کشورها ناگزیر به جذب سرمایه‌های خارجی و رقابت در جذب آن هستند. مهمترین وجوه تمایز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با دیگر وجوه سرمایه را می‌توان به میزان و درجه کنترل سرمایه‌گذاری و میزان مشارکت، سود و زیان‌هایی که متوجه سرمایه‌گذار است و همچنین رابطه و منافع بلندمدت میان سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر دانست. علاوه بر وجوه فوق، مهمترین آثار سرمایه‌گذاری خارجی در قیاس با سرمایه‌گذاری‌های داخلی، تأثیر آن بر انتقال فناوری‌های روزآمد و دانش فنی پیشرفته بر کشور میزبان است؛ که این امر به تدریج، به بالا بردن قابلیت‌های تکنولوژیکی در کشور میزبان کمک می‌نماید (محمدی‌نوده و همکاران، ۱۳۹۸).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) یکی از روش‌های تأمین مالی از نوع غیر قرضی است که برگشت اصل و سود آن از سوی سیستم بانکی و دولت کشور میزبان، تضمین نمی‌شود؛ بلکه ریسک برگشت سرمایه و منابع به عهده سرمایه‌گذار است. از طرفی دیگر، FDI جریان خصوصی سرمایه منابع مالی خارجی است که بیشتر توسط بخش خصوصی و شرکت‌های چند ملیتی صورت می‌گیرد. لذا به دلیل نقش حیاتی و عمده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در توسعه و رشد اقتصادی، هر یک از کشورها تدابیری متناسب با شرایط کشور خود برای جذب بهتر و بیشتر آن از طریق ارائه تسهیلات و حمایت‌های ویژه از سرمایه‌گذاران خارجی، اتخاذ می‌کنند (قانون سرمایه‌گذاری خارجی ایران، ۱۳۸۱).

از آنجا که امروزه تعاملات اقتصادی بین‌المللی به صورت گسترده‌ای رو به رشد و توسعه است و اقتصاد کشورها از یکدیگر متأثر می‌گردند، لذا جریان سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان پل ارتباطی این تعاملات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه تولید ناخالص داخلی نیز یکی از مهمترین شاخص‌هایی است که قدرت اقتصادی و مسیر پیشرفت کشور را نمایان می‌سازد، به طوری که در ادبیات اقتصادی همواره رشد آن، مورد توجه است و قدرت اقتصادی بر مبنای آن سنجیده می‌شود، این شاخص برای اقتصاددانان کشورهای در حال توسعه نیز دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است، زیرا از یک طرف، برای جبران عقب ماندگی در این کشورها، به تولید داخلی آنها توجه خاصی می‌شود و از طرف دیگر، شناسایی متغیرهایی که بیشترین تأثیرگذاری را در رشد تولید داشته باشد، مهم است (ختائی و غربالی، ۱۳۸۳).

انباشت سرمایه به عنوان یکی از عوامل اساسی فرآیند رشد اقتصادی کشورها مطرح است که از طریق منابع داخلی یا خارجی قابل تأمین است. منابع مالی خارجی به عنوان مکملی برای پس‌انداز داخلی، افزون بر پر کردن شکاف پس‌انداز سرمایه‌گذاری، راه‌حلی برای مقابله با شکاف منابع ارزی نیز می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه، منابع مالی خارجی شامل کمک‌های بلاعوض کشورهای توسعه یافته، جریان مالی ناشی از منابع متعدد نظیر بانک جهانی، بانک‌های منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم و مستقیم خارجی است. سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی بیشتر به وسیله بخش خصوصی و در قالب شرکت‌های چند ملیتی صورت می‌گیرد و از آن به عنوان جریان خصوصی سرمایه یاد می‌شود. فواید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، بالابردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابت است. البته باید خاطر نشان کرد که ضعف مدیریت و سیاست‌های ناصحیح در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند پیامدهای منفی از قبیل ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، انهدام صنایع با مقیاس تولید کوچک و نیز تشدید بیکاری را نیز به همراه داشته باشد. با توجه به نقش مهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و گسترش فرایند جهانی شدن، کشورهای جهان طی دهه‌های اخیر برای جذب این نوع سرمایه، برنامه‌ریزی و تلاش‌های وسیعی کرده‌اند. در واقع بازار جهانی جذب این سرمایه‌ها، بسیار رقابتی شده است. این رقابت به ویژه میان کشورهای در حال توسعه با توجه به لزوم دستیابی سریع به توسعه و کمبود منابع مالی بیشتر شکل گرفته است. این گونه کشورها دنبال جذب انواع سرمایه هستند و بدین منظور تمهیدات گوناگونی برای جذب این نوع سرمایه‌ها به کار می‌برند (مشیری و کیانپور، ۱۳۹۱).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، قابلیت افزایش تولید کالاها در کشور جذب‌کننده سرمایه را دارد. تحت شرایطی، با ایجاد مزاد در تراز پرداخت‌ها می‌تواند بر نرخ ارز اثرگذار باشد. از سوی دیگر یکی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی کشورها، فراهم نمودن سرمایه کافی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری است. از این رو، کشورهای در حال توسعه سعی نموده‌اند که به تراکم سرمایه از طریق منابع داخلی و سپس تکمیل آن توسط سرمایه خارجی بپردازند. شایان ذکر است که در سال‌های اخیر، سرمایه خارجی نقش مهمی در فرآیند توسعه بسیاری از کشورها داشته، ولی سیاست‌های اقتصاد کلان جهانی و اقتصاد کلان داخلی کشورها باعث شده است که جریان انتقال منابع در جهان غالباً از کشورهای توسعه نیافته به کشورهای توسعه یافته جریان یابد (رتوفی و نیکو، ۱۳۹۰).

عبارت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شامل دو دیدگاه مرتبط اما متفاوت است که به وسیله تئوری‌های متفاوت و بر مبنای دو شاخه اصلی علم اقتصاد توضیح داده می‌شود. دیدگاه اول مبنای مالیه بین‌الملل دارد که موضوع اقتصاد کلان است و دیدگاه دوم به تئوری سازمان‌های صنعتی مربوط شده که ماهیت خرد دارد. دیدگاه کلان، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به صورت جریان سرمایه در مرزهای بین‌المللی، یعنی از کشور مبدأ به کشور میزبان می‌داند که مقادیر آن در تراز پرداخت‌ها آورده می‌شود. دیدگاه خرد، سعی در بررسی پیامدهای وارده به اقتصاد کشورهای میزبان و مبدأ دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم می‌تواند یکی از عوامل مهم در توسعه و رشد اقتصادی کشورهای مختلف به خصوص کشورهای در حال توسعه باشد. به همین دلیل در اکثر کشورها، پدیده مذکور به عنوان یکی از عناصر اصلی استراتژی توسعه معرفی می‌شود و سیاست‌های اقتصادی طوری طراحی می‌شوند که جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم را موجب شوند. یکی از انگیزه‌های اصلی برای این کار، انتقال تکنولوژی و به دنبال آن بهبود بهره‌وری بنگاه‌های کشور میزبان توسط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. تکنولوژی نه تنها مشتمل بر دانش یا روش‌های مورد نیاز برای انجام یا بهبود تولید فعلی و توزیع کالاها و خدمات است بلکه شامل تخصص‌های مدیریتی و کارآفرینی و دانش فنی و حرفه‌ای است (نجاتی، ۱۳۹۶).

۲-۱. اشکال مختلف سرمایه‌گذاری خارجی

۲-۱-۱. سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی

منظور از این نوع سرمایه‌گذاری این است که اشخاص خارجی (حقیقی یا حقوقی) به صورت خرید اوراق بهادار مؤسسه یا شرکت مالی، بدون شرکت مستقیم به سرمایه‌گذاری بپردازند و سرمایه خود را در اختیار کشور میزبان قرار دهند. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران با انتخاب سبد مالی بهینه از اوراق بهادار شرکت‌های کشور میزبان سرمایه‌گذاری کرده و انتظار بازده آن را دارند. این نوع سرمایه‌گذاری، اصطلاحاً فرار است یعنی سرمایه‌گذار هر لحظه که بخواهد می‌تواند با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه خود را از کشور میزبان خارج کند که این خود باعث رکود و کساد در کشور میزبان و ایجاد نابسامانی‌های اقتصادی می‌شود.

۲-۱-۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تعاریف متعددی وجود دارد. برای مثال از دیدگاه آنکتاد (UNCTAD) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه‌گذاری که مناسبات بلندمدت دارد و کنترل سود پیوسته‌ی شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور خارجی را در شرکتی واقع در کشور میزبان عهده‌دار است. بر اساس تعریف صندوق بین‌المللی پول، سرمایه‌گذاری

مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری است که با هدف کسب منافع پایدار در کشوری به جز وطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌شود و هدف سرمایه‌گذار از این سرمایه‌گذاری آن است که در مدیریت بنگاه مربوطه نقش موثر داشته باشد. در حقیقت، مهمترین نکته بر اساس تعریف‌های بالا، نقش سرمایه‌گذار در مدیریت سرمایه خود و تلاش برای کسب سود و منافع ناشی از فعالیت‌های اقتصادی است که می‌تواند محرک چرخه اقتصادی کشور میزبان و اثرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی آن کشور شود. در مورد اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نظرات موافق و مخالف بسیاری از سوی نظریه‌پردازان اقتصادی ابراز شده است، به اعتقاد موافقان، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان به انتقال سرمایه، فناوری پیشرفته و مهارت‌های مدیریت، توسعه منابع انسانی و مالی، گسترش بازرگانی خارجی و در نتیجه فراهم آمدن امکانات رشد اقتصادی منجر می‌شود. در مقابل، مخالفان بر غارت منابع طبیعی، تسلط بر بازارهای داخلی، وابستگی اقتصادی، ترویج فرهنگ بیگانه، تخریب محیط زیست و گسترش فساد مالی و اخلاقی در کشور میزبان و در مجموع ایجاد موانع اساسی در توسعه اقتصادی سالم را مطرح می‌کنند (صفدری و همکاران، ۱۳۸۹).

۲-۲. انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

* سرمایه‌گذاری به منظور دسترسی به منابع اولیه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، زمانی به منظور دسترسی به منابع اولیه خواهد بود که هدف از آن دسترسی به منابعی است که در کشور اصلی وجود نداشته یا هزینه دسترسی به آن بالا است. خروجی این نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمدتاً صادر می‌شود.

** سرمایه‌گذاری به منظور دسترسی به بازار

هدف این نوع FDI ارائه خدمات و کالا در بازار محلی و یا بازار کشورهای همسایه است. دلایل این نوع سرمایه‌گذاری عبارتند از: **اولین** نوع سرمایه‌گذاری توسط مشتریان یا تامین کنندگانی که تسهیلات تولید داخلی را راه‌اندازی می‌کنند، تعریف می‌شود. شرکت سرمایه‌گذار برای حفظ کسب و کار خود در جستجوی مشتریان و تامین کنندگان خود وارد بازارهای خارجی می‌شود. **دومین** نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور دسترسی به بازار با نیاز به تطبیق محصول با سلاقی محلی تعریف می‌شود. تولید کننده خارجی بدون آشنایی با بازار محلی، هیچ مزیتی در مقابل تولیدکنندگان داخلی نخواهد داشت. **سومین** دلیل برای این نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، عبارت از هزینه‌های بالای حمل و نقل و تعرفه تبیین شده توسط دولت و سایر موانع ایجاد شده توسط دولت است. این نوع تعرفه‌ها سود دهی صادرات را کاهش داده و از تولید داخلی در مقابل واردات محافظت می‌کند. **چهارمین** دلیل این است که ممکن است یک شرکت حضور در بازاری را که توسط رقبایش تحمیل می‌شود، ضروری بدانند، چرا که با ورود خود به بازار باعث کاهش قیمت می‌شود و تاثیر این کاهش قیمت بر رقیب، بیشتر از تاثیر آن بر خود شرکت است.

*** سرمایه‌گذاری به منظور افزایش کارایی

محرک این نوع سرمایه‌گذاری، عقلایی کردن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور دسترسی به بازار و منابع است. در این نوع سرمایه‌گذاری، تولید در مکان‌های محدود متمرکز شده و از اقتصاد به مقیاس و ارائه محصولات به بازارهای مختلف سود می‌برد. شرکت‌هایی که هدف آنها از FDI، افزایش کارایی است، معمولاً بزرگ و متنوع بوده و محصولات استاندارد را با فرآیندهای استاندارد تولید می‌کنند.

۲-۳. عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یک صنعت

یکی از پرسش‌های اساسی که همواره در یک اقتصاد وجود دارد این است که چرا برخی صنایع و بنگاه‌های اقتصادی تمایل و انگیزه بیشتری به سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی دارند و از این جهت، حاضر به پذیرش خطرات آن نیز هستند. در حالی که برخی صنایع نیز یافت می‌شوند که ریسک‌گریزی را بر جریان سرمایه‌گذاری ترجیح می‌دهند. پاسخ این سؤال را می‌توان در چگونگی تأثیرگذاری متغیرها و عوامل مختلف اقتصادی بر فعالیت‌های صنایع و بخش‌های مختلف اقتصادی جستجو کرد. جذب سرمایه‌گذاری از سوی یک صنعت و یا بنگاه‌های تولیدی در نتیجه اثرات عوامل تعیین‌کننده‌ای مثل سودآوری، اندازه صنعت و یا بنگاه، درجه تمرکز صنعتی و صادرات صنعتی، هزینه‌های توسعه و تحقیق (R & D) و نرخ ارز دوگانه و چندگانه بین کشورهاست

۲-۳-۱. سودآوری

میزان سودآوری بنگاه‌های کشور میزبان، شرکت‌های خارجی را برای سرمایه‌گذاری ترغیب می‌کند. به طور تجربی نیز بسیاری از مطالعات رابطه مثبت بین سودآوری و گسترش بین‌المللی را آزمون کرده‌اند.

۲-۳-۲. اندازه بنگاه

انتخاب تغییر اندازه بنگاه در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این مفهوم بستگی دارد که اصولاً فن‌آوری مدرن، نیازمند مشارکت واحدهای بزرگ است. به این علت که توانایی آنها به تمرکز و تحرک مقدار سرمایه کمک شایانی می‌نماید.

۲-۳-۳. قدرت صادراتی

توسعه صادراتی یک صنعت و یا به طور کلی یک اقتصاد، شرایط تولید خارجی را فراهم می‌سازد. فرایند بین‌المللی‌سازی نشان می‌دهد که شرکت‌های چندملیتی عموماً تولید در کشور میزبان را برای صادرات ادامه می‌دهند. به این ترتیب، وجود امکانات صادراتی در یک بخش اقتصادی زمینه را برای توسعه عملیات تولیدی از سوی سرمایه‌گذاری خارجی به منظور صادرات محصول خود فراهم می‌سازد. توسعه صادرات از طریق سرمایه‌گذاری، ابزار مطمئنی برای به حداقل رساندن ریسک بازار است.

۲-۳-۴. تحقیق و توسعه

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا حدود زیادی تحت تأثیر مخارج تحقیق و توسعه قرار دارد که از آن به عنوان تقریبی برای رشد فن‌آوری یاد

می‌کنند. برخی پژوهشگران یک همبستگی مثبت را بین میزان تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح صنعت به دست آوردند. دلیل این ارتباط بر پایه نظریه بین‌المللی‌سازی و نظریه تناسب قرار دارد. این نظریه‌ها فرض می‌کنند که در یک سیستم اقتصادی، تمایل به تولید اطلاعات وجود دارد، به گونه‌ای که این اطلاعات از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قابل انتقال خواهد بود. نظریه بین‌المللی‌سازی فرض می‌کند که فرصت‌های انتقال اطلاعات بین واحدهای اقتصادی وجود دارد به نوعی که صرفه‌جویی در زمان و هزینه را در پی دارد. همچنین، تئوری تناسب ارتباط قویتر بین واحدهای داخلی را نوعی توقف و باز دارندگی در انتقال اطلاعات می‌داند. به این ترتیب، مخارج روی تحقیق و توسعه در صنعت، زمینه‌های مثبت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم می‌کند.

۲-۳-۵. نرخ ارز واقعی

در یک صنعت، بسته به مقصد کالاهای تولید شده، سطح نرخ ارز واقعی به راه‌های مختلف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزایش ارزش پول داخلی که به منزله افزایش قدرت خرید مصرف کنندگان محلی است، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش می‌دهد. افزون بر این، یک کاهش در نرخ ارز واقعی کشور دریافت کننده، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از طریق هزینه کاهش یافته سرمایه، افزایش می‌دهد. اما اگر این سرمایه‌گذاری در جهت کمک به تولید برای صادرات مجدد و به عبارتی مکمل تجارت باشد، هر افزایشی در ارزش پول داخلی، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از طریق کم کردن رقابت‌پذیری کاهش می‌دهد.

۲-۳-۶. امنیت اقتصادی

وجود ریسک در یک صنعت، هزینه‌ها را افزایش و نرخ بازده سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. سرمایه‌گذاری خارجی به دنبال انتخاب مکانی است که از شدت و درجه ریسک کمتری برخوردار بوده و برعکس، دارای امنیت اقتصادی بیشتر در کسب سود و توسعه بازار باشد. در یک اقتصاد با نرخ تورم بالا، در بلندمدت انحراف از تخصیص بهینه منابع به وجود آمده و به این ترتیب، شدت ریسک افزایش می‌یابد و از میزان امنیت اقتصادی به نحو چشمگیری کاسته می‌شود (گوگردچیان و طیبی، ۱۳۸۴).

۳. پیشینه تحقیق

معصومیان و همکاران (۱۳۷۴)، در پژوهشی به بررسی عوامل اقتصادی تعیین کننده سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۷۱ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نسبت سرمایه‌گذاری بخش عمومی به تولید ناخالص داخلی، نسبت واردات کالای سرمایه‌ای و مواد اولیه به کل واردات کالاهای و تغییرات در اعطای اعتبارات به بخش خصوصی و همچنین درآمد ارزی بر نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی اثر مثبت داشته‌اند.

براتی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری مسکونی و تولید ناخالص داخلی در صورت حضور تجارت خارجی در ایران برای بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۷۰ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سرمایه‌گذاری غیرمسکونی در اقتصاد بسته از اهمیت بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری مسکونی در تولید ناخالص داخلی برخوردار است. اما در اقتصاد باز اثر سرمایه‌گذاری مسکونی افزایش یافته بطوریکه اثر آن بر GDP بیشتر از اثر سرمایه‌گذاری غیرمسکونی است. در هر دو مدل اقتصاد باز و مدل اقتصاد بسته، مصرف و مخارج دولت بیشترین اثر را بر تولید ناخالص داخلی داشته‌اند. مخارج دولت تأثیر غالب را در اثرگذاری بر هر دو نوع سرمایه‌گذاری داشته است. اثر سرمایه‌گذاری مسکونی بر سرمایه‌گذاری غیرمسکونی نسبتاً شدید بوده در حالیکه سرمایه‌گذاری غیرمسکونی تأثیر کمی بر سرمایه‌گذاری مسکونی داشته است. حضور خالص صادرات در مدل باعث ایجاد تفاوت‌های زیادی در نتایج شده است؛ بطوریکه از میزان اثرگذاری مخارج دولت و مصرف بر سرمایه‌گذاری‌ها کاسته اما تأثیر چندانی بر اثرگذاری سرمایه‌گذاری‌ها بر یکدیگر نداشته است.

زاهدی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی اثر سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی بر تولید ناخالص داخلی غیرنفتی در ایران برای بازه ۱۳۹۵-۱۳۵۰ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی اثر مثبت بر تولید ناخالص داخلی غیرنفتی دارد. برآورد الگو با روش غیرخطی (نامتقارن) بیانگر آن است که در کوتاه مدت و بلندمدت اثر افزایش‌ها و کاهش‌ها در سرمایه‌گذاری دولتی (و خصوصی) بر تولید ناخالص داخلی غیرنفتی متفاوت از یکدیگر است. به نحوی که افزایش‌ها در سرمایه‌گذاری دولتی اثر معنادار بر تولید غیرنفتی دارد و کاهش‌ها در سرمایه‌گذاری دولتی اثر معنادار اما منفی بر تولید غیرنفتی دارد. همچنین افزایش‌ها در سرمایه‌گذاری خصوصی اثر مثبت بر تولید ناخالص داخلی غیرنفتی داشته و کاهش‌ها نیز در سرمایه‌گذاری خصوصی اثر مثبت بر تولید غیرنفتی دارد.

آقای و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی اثر سرمایه‌گذاری استانی دولت بر رشد اقتصادی استان‌های ایران برای بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۵ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که شکاف سرمایه‌گذاری بر شکاف تولید در استان‌ها اثر مثبت دارد.

۴. روش‌شناسی

۴-۱. پایایی و آزمون ریشه واحد

در مدل‌سازی اقتصادی و اقتصادسنجی، می‌بایست پایایی متغیرهای سری زمانی مورد بررسی قرار گیرد. یکی از انواع مهم داده‌های آماری مورد استفاده در تجزیه و تحلیل‌های تجربی، داده‌های سری زمانی می‌باشد، زیرا این نوع داده‌های آماری، ویژگی‌های خاصی برای پژوهشگران در اقتصادسنجی دارد. هر سری زمانی را می‌توان محصول تولید یک فرایند استوکاستیک یا تصادفی دانست و مجموعه پیوسته‌ای از داده‌ها یک تحقق واقعی از فرایند تصادفی اصلی می‌باشند. وجه تمایز و تفاوت بین فرایند استوکاستیک و تحقق واقعی آن بسیار شبیه به وجه تمایز بین جامعه و نمونه آن در داده‌های مقطعی است. همان گونه که از داده‌های نمونه برای استنباط یک جامعه استفاده می‌شود، در سری‌های زمانی نیز از تحقق واقعی برای استنباط در مورد فرایند استوکاستیک

استفاده می‌شود. بر این اساس، میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان ثابت بوده و مستقل از زمان است، اما بررسی‌هایی که از سال ۱۹۹۰ به بعد انجام شده، نشان داده است که فرض پایایی در مورد بسیاری از متغیرهای سری‌های زمانی اقتصاد کلان نادرست بوده و اغلب این متغیرها وابسته به زمان بوده و ناپایا می‌باشند. مطالعات نشان داده‌اند که در صورت عدم تحقق فرض پایایی، استفاده از آماره F و t گمراه کننده بوده و احتمال اینکه نتایج به دست آمده تنها یک رگرسیون جعلی بوده و هیچ گونه رابطه اقتصادی واقعی تعادلی نداشته باشد افزایش می‌یابد، بنابراین لازم است پایایی و ناپایایی متغیرها بررسی گردد. از این رو ابتدا با استفاده از روش دیکی فولر تعمیم یافته، پایایی متغیرها آزمون شده است.

۴-۲. تخمین با روش مارکوف سویچینگ چند متغیره

اولین بار کوانت^۱ (۱۹۷۲)، این مدل را معرفی کرد، سپس همیلتون^۲ (۱۹۸۹)، آن را توسعه داد. همیلتون (۱۹۸۹) بیان می‌کند که بسیاری از متغیرها در دوره‌هایی به طور چشم‌گیری با هم متفاوت هستند. این تغییرات (شکست‌ها) به دلایل مختلفی مانند هراس مالی^۳، جنگ‌ها، بحران‌های اقتصادی، تحریم‌ها، تغییرات در سیاست‌ها و مقررات دولتی و غیره می‌توانند اتفاق بیفتند که می‌توانند رژیم‌ها یا وضعیت‌هایی را برای متغیر ایجاد نمایند. از انواع الگوهای غیرخطی و تغییر رژیم می‌توان به الگوهای خود رگرسیون آستانه‌ای^۴، الگوی خود رگرسیون با انتقال ملایم^۵ و الگوی مارکوف سویچینگ^۶ اشاره کرد. از تفاوت‌های مهم میان الگوی مارکوف سویچینگ و دیگر الگوهای غیرخطی می‌توان به دو مورد اشاره کرد: اول آنکه تابع انتقال در الگوی مارکوف سویچینگ با استفاده از داده‌های موجود به راحتی برآورد می‌شود اما در دو الگوی دیگر، تصریح تابع انتقال مشکل است؛ دوم اینکه، در الگوی مارکوف سویچینگ، تغییر رژیم به صورت درون‌زا تعیین می‌شود، اما در دیگر الگوهای غیرخطی، تغییر رژیم از پیش تعیین شده است (اسدی و اسماعیلی، ۱۳۹۲).

بازه زمانی تحقیق ۱۴۰۲-۱۳۹۰ است و داده‌ها از سایت وزارت اقتصاد و دارایی بدست آمدند؛ البته سهم تولید استان خوزستان از تولید کشوری از بیمه مرکزی گردآوری شد و از آن طریق، تولید استان خوزستان بدست آمد.

۵. نتایج روش‌شناسی

۵-۱. نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته

جدول ۱. نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته

متغیر	احتمال بدست آمده	نتیجه‌گیری
I	۰.۸٪	مانا
X	۰.۴٪	مانا
B	۰.۷٪	مانا

منبع: نتایج پژوهش

همان طور که نتایج نشان می‌دهد متغیرهای تحقیق؛ I (سرمایه گذاری خارجی)، X (ارزش صادرات) و B (حق بیمه تولیدی) در سطح ۱۰ درصد، مانا هستند و مشکل وجود نتایج کاذب وجود ندارد.

۵-۲. نتایج آزمون مارکوف سویچینگ

جدول ۲. نتایج آزمون مارکوف سویچینگ

متغیر	ضریب	P-Value
I	۱.۸۵	۰.۳٪
X	۱.۳۴	۰.۴٪
B	۱.۳۶	۰.۴٪
Logsigma(1)	-۵.۸	۰.۰
Logsigma(2)	-۲.۲	۰.۰
AR(1)	.۹۹	.۰۰
C(1)	۲۴.۸۵	.۰۰
C(2)	۱۶.۳۲	.۰۰

منبع: نتایج پژوهش

از آنجایی که در مدل تخمین زده شده، واریانس جز اخلال مربوط به معادلات دو رژیم متفاوت بوده، در نتیجه در رژیم یک، لگاریتم انحراف معیار برابر ۵.۸- و در رژیم دو، لگاریتم انحراف معیار برابر ۲.۲- بدست آمده است که نشان می‌دهد رژیم یک دارای نوسانات بیشتری (واریانس بیشتری) نسبت به رژیم دو می‌باشد.

1. Quandt
2. Hamilton
3. Financial panics
4. Threshold Autoregressive Model (TAR)
5. Smooth Transition Autoregressive Model (STAR)
6. Markov Switching Model (MS)

همیلتون بیان می‌کند رژیمی که دارای عرض از مبدا بیشتری است به عنوان رژیم رونق (در این پژوهش به عنوان میانگین تولید بالا) و رژیمی که دارای عرض از مبدا کمتری است به عنوان رژیم رکود (در این پژوهش به عنوان میانگین تولید پایین) استفاده می‌شود. در این پژوهش رژیم یک، نماینده رژیم با میانگین تولید بالا و رژیم دو، نماینده رژیم با میانگین تولید پایین می‌باشد.

در این تحقیق فرض کردیم اثر متغیرهای مستقل بر تولید استان خوزستان در رژیم‌های مختلف، برابر است. بر اساس نتایج بدست آمده، اگر سرمایه‌گذاری خارجی، ارزش صادرات و حق بیمه تولیدی یک واحد افزایش یابد تولید استان خوزستان به ترتیب ۱،۸۵، ۱،۳۴ و ۱،۳۶ واحد افزایش می‌یابد. در واقع وضعیت تولید استان بهتر می‌شود.

یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت سرمایه‌گذاری در تولید، نقش آن در ایجاد اشتغال است. صنایع تولیدی به طور مستقیم و غیرمستقیم فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد می‌کنند. از کارگران خط تولید تا مهندسان، مدیران و بازاریابان، همه در چرخه تولید نقش دارند. با افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش، نرخ بیکاری کاهش یافته و سطح رفاه جامعه بهبود می‌یابد؛ دوم اینکه سرمایه‌گذاری در تولید به ویژه در صنایع با فناوری پیشرفته، می‌تواند منجر به افزایش کیفیت و کمیت محصولات داخلی شود. این امر به نوبه خود باعث افزایش صادرات و کاهش واردات می‌گردد. با تقویت صادرات، ارزآوری برای کشور افزایش یافته و تراز تجاری بهبود می‌یابد. این موضوع به ویژه در شرایط تحریم‌ها یا بحران‌های اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. سوم اینکه سرمایه‌گذاری در تولید به کشورها کمک می‌کند تا به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی و استراتژیک دست یابند. این خودکفایی نه تنها امنیت ملی را تقویت می‌کند، بلکه وابستگی به واردات و نوسانات قیمت در بازارهای جهانی را کاهش می‌دهد.

صادرات کالا سبب افزایش تولید می‌گردد و باعث می‌شود برای مثال کارخانه تولیدی در مقیاس بیشتری فعالیت نماید و هر چه مقیاس تولید افزایش یابد، هزینه تولید و بهای تمام شده برای تولیدکننده کاهش می‌یابد و این موضوع سبب افزایش سود خواهد شد. صادرات کالا به خارج از کشور باعث افزایش تولیدات می‌گردد و در نهایت، کارخانه‌های تولیدی برای افزایش مقیاس تولید نیاز به نیروی انسانی دارند. به عبارت دیگر، هر چه قدر مقیاس تولیدات افزایش یابد، فرصت‌های شغلی بیشتری نیز ایجاد می‌گردد.

بیمه‌ها همانند بانک‌ها و بازارهای سرمایه، نیازهای واحدهای شغلی و خانوارها را در واسطه‌های مالی تأمین می‌کنند. در دسترس بودن سرویس‌های بیمه برای ثبات اقتصاد، ضروری است و می‌تواند شرکای مشاغل را وادار به پذیرش ریسک‌های بزرگ نماید. از طریق پذیرش خواسته‌های بیمه‌گذار، شرکت‌های بیمه حقوق بیمه را جمع‌آوری کرده و صندوق‌های ذخیره به وجود می‌آورند؛ بنابراین، شرکت‌های بیمه با افزایش جریان نقدینگی درونی در بیمه‌گذاران و نیز به واسطه ایجاد حجم زیادی از دارایی‌های جا به جا شده به بازار سرمایه نقش مهمی را ایفا می‌کنند و از این رو در رشد اقتصادی (افزایش تولید) سهیم می‌شوند.

جدول ۳. احتمالات انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر

رژیم	رژیم یک	رژیم دو
رژیم یک	۲۲٪	۷۸٪
رژیم دو	۸۸٪	۱۲٪

منبع: نتایج پژوهش

جدول ۳ احتمالات انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌گردد احتمال انتقال از رژیم یک به رژیم دو ۷۸ درصد، احتمال انتقال از رژیم دو به رژیم یک ۸۸ درصد، احتمال انتقال از رژیم یک به رژیم یک ۲۲ درصد و احتمال انتقال از رژیم دو به رژیم دو ۱۲ درصد است.

۶. نتیجه گیری و پیشنهادات

امروزه، اهمیت سرمایه‌گذاری بر کسی پوشیده نیست. در تئوری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی شناخته شده و لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی، داشتن رشد اقتصادی مناسب، مداوم و مستمر است. از دیدگاه اقتصادی، سرمایه‌گذاری خالص مثبت و مستمر، بستر لازم را برای توسعه فراهم می‌آورد و سرمایه فنی لازم را برای این مهم تشکیل می‌دهد. سرمایه‌گذاری همواره به عنوان یکی از عوامل اساسی در توسعه اقتصادی در جوامع مطرح بوده و دولت‌ها را بر آن داشته تا به منظور دستیابی به یک اقتصاد توسعه یافته و پویا، توجه ویژه‌ای به آن معطوف دارند. سرمایه‌گذاری یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان در اقتصاد محسوب می‌شود و تحت تأثیر عوامل متعدد مانند متغیرهای پولی و مالی، سیاسی و ساختاری قرار دارد. در این تحقیق با استفاده از روش مارکوف سویچینگ به بررسی اثر سرمایه‌گذاری خارجی، ارزش صادرات و حق بیمه تولیدی بر تولید استان خوزستان برای بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۳۹۰ پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان داد که اگر سرمایه‌گذاری خارجی، ارزش صادرات و حق بیمه تولیدی یک واحد افزایش یابند تولید استان خوزستان به ترتیب ۱،۸۵، ۱،۳۴ و ۱،۳۶ واحد افزایش می‌یابد. در واقع وضعیت تولید استان بهتر می‌شود. در بین عوامل مؤثر بر تولید خوزستان، سرمایه‌گذاری اثرگذاری بیشتری دارد.

راهکارهای افزایش سرمایه‌گذاری برای تولید عبارتند از:

***کاهش مداخلات قیمت‌گذاری؛

***اجرای طرح مولدسازی دارایی‌ها و تخصیص اعتبار برای اتمام و بهره‌برداری از طرح‌های عمرانی با پیشرفت بالای ۸۰ درصد؛

***استفاده از بسترهای تأمین مالی جمعی به منظور فعال‌سازی خرده سرمایه‌های مردمی در بخش مولد اقتصاد با ارائه تضامین لازم برای حفظ ارزش دارایی‌ها و ایجاد اعتماد عمومی؛

***افزایش رشد اقتصادی و تولید باعث افزایش در جذب سرمایه‌گذاری می‌شود که افزایش رشد اقتصادی و تولید با حمایت دولت از سرمایه‌گذاران، فراهم نمودن زیرساخت‌ها، اعطای تسهیلات بانکی به بخش تولید، تخصیص یارانه و کاهش بوروکراسی اداری و بهبود فضای کسب و کار، باعث ایجاد رونق اقتصادی و افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری به ویژه توسط بخش خصوصی می‌شود؛

***ایجاد ثبات اقتصادی، چرا که یکی از عوامل بسیار مؤثر در توسعه سرمایه‌گذاری، افزایش امنیت سرمایه‌گذار می‌باشد که سرمایه‌گذاران هر چند به دنبال افزایش سودآوری خود هستند اما عامل مهمی که این امر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، احساس امنیت است که نقش دولت و مسئولین در این زمینه بسیار مهم است؛

***برخورد مناسب با سرمایه‌گذاران که خود به عنوان مبلغان و تبلیغ کنندگان عمل می‌کنند می‌تواند باعث افزایش سرمایه‌گذاری شود؛
***افزایش درجه باز بودن اقتصاد که لازمه آن تسریع در مبادلات تجاری، اصلاح نرخ تعرفه‌ها و تسریع در امور گمرکی است باعث افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاری می‌شود؛

***ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی و مناطق آزاد تجاری، می‌تواند زمینه جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و ایرانیان مقیم خارج از کشور را فراهم نماید؛

***تقویت بخش خصوصی برای مشارکت این بخش با سرمایه‌گذاران خارجی جهت اجرای طرح‌های آماده سرمایه‌گذاری و تأمین بخشی از هزینه‌های زیربنایی طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی و تأمین زمین مورد نیاز این طرح‌ها.

منابع

۱. اسدی، علی و اسماعیلی، میثم. (۱۳۹۲). تاثیر شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی ایران در قالب مدل مارکوف- سوئیچینگ، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۳ (۱۲)، ۸۹-۱۰۴.
۲. براتی، جواد، قلی‌زاده، علی اکبر و ابراهیمی، محسن. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری مسکونی و تولید ناخالص داخلی در صورت حضور تجارت خارجی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.
۳. ختایی، محمود و غربالی، یونس. (۱۳۸۳). بررسی رابطه پویا میان نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران، برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۸۴.
۴. رئوفی، حمیدرضا و قلم‌زن نیکو، کاملیا. (۱۳۹۰). عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۲۷ کشور منتخب (پیشرفته و در حال توسعه) از جمله ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۴.
۵. زاهدی، غزاله، زروکی، شهریار و گیلانی‌پور، جواد. (۱۳۹۷). تحلیل نامتقارنی اثر سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی بر تولید ناخالص داخلی غیرنفتی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محدث نوری.
۶. شام‌نصوری، حمیدرضا، احسانی، محمدعلی و آقایی، مجید. (۱۳۹۸). اثر سرمایه‌گذاری استانی دولت بر رشد اقتصادی استان‌های ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۷. صفامنش، ستاره، بیابانی، جهانگیر و کمالی دهکردی، پروانه. (۱۳۹۰). اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اکو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
۸. صفدری، مهدی، الوندی‌زاده، اسداله و شعبی، حامد. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی، فصلنامه اقتصاد، سال اول، شماره ۳.
۹. علیزاده، محمد، بابایی، مجید، جعفری، محمد و خدایی، مهدی. (۱۳۹۳). اثر متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو D8 (مدل معادلات همزمان)، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۶، ۸۷-۱۰۴.
۱۰. فدائی، مهدی و کاظمی، شایسته. (۱۳۹۱). بررسی اثرات رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سطح اشتغال در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره ۹.
۱۱. قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری. (۱۳۸۰). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۲. گوگردچیان، احمد و طیبی، کمیل. (۱۳۸۴). بررسی عوامل جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع پتروشیمی ایران به روش داده‌های تابلویی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۶، ۱۸۱-۲۰۳.
۱۳. محمدی نوده، عادل، حسنوند، داریوش و آسایش، حمید. (۱۳۹۸). بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۱، ۱۴۳-۱۲۱.
۱۴. مشیری، سعید و کیانپور، سعید. (۱۳۹۱). عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یک مطالعه بین‌کشوری، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره نه، شماره ۱۶، ۱-۲.
۱۵. معصومیان، ابراهیم، جعفری صمیمی، احمد و فرجادی، غلامرضا. (۱۳۷۴). بررسی عوامل اقتصادی تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد ایران، رساله دکتری، دانشگاه مازندران.
۱۶. نجاتی، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران با استفاده از یک مدل تعادل عمومی، نشریه علمی- پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی، سال نهم، شماره ۱۸.